

میدون و سوفیا

گریه تو فرصت من است!



✦ **یوریا عالمی**

- سلام سوفیا!

به نظرت حدادعادل که گفته: «بالارفتن نارضایتی مردم از ما، در انتخابات برای ما یک فرصت است» یعنی چی؟

به جان سوفیا من حیرانم، حالا ایشان هنوز و تا ابد رئیس فرهنگستان زبان فارسی هم هست، اما هربار ما دوتا جمله ازش می‌خوانیم نیاز داریم دو نفر با اسطربلا بنشینند کنار دست ما تا برایمان کشف رمز کنند ببینیم استاد به زبان ساده چی گفته؟

مثلا الان گفته: «نارضایتی مردم از ما هرچه بیشتر بشه، برای ما بهتره!» خب، این یعنی چی؟ مثل این می‌ماند که من مدام تو را اذیت کنم سوفیا، تو هم می از من متفرط بشوی، هی هم گریه کنی، من هم کیف کنم و بگویم: آخیش! برای من یک فرصت ایجاد شد! تو دوسم داری! فقط وجدانی نمی‌دانم چه فرصتی! می‌دانی توی پزشکی به وضعیتی که من از آزار تو لذت ببرم چه می‌گویند؟ ما نمی‌دانیم.

اتفاق

باسخ‌وزیر فرهنگ درباره یارانه‌های مطبوعات

● پس از ماجراهای پیش‌آمده درباره مجاری اعطای کمک‌ها به مجلات و نشریات و دستور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برای بررسی موارد گزارشی در دو هفته از سوی دفتر عملکرد مدیریت تهیه و به وزیر فرهنگ ارائه شد که در آن دستوراتی جدید به معاونت مطبوعاتی ابلاغ شد.

در نامه سیدعباس صالحی خطاب به محمد خدادی آمده است:

با توجه به گزارش صفرخانی نسبت به اجرای مفاد زیر در اسرع وقت اقدام و نتیجه آن به این‌جانب اعلام شود.

الف) سیاست‌های حمایتی از نشریات و شیوه‌نامه‌های مرتبط با توجه به نکات ذیل بازنگری اساسی شود.

۱- توجه کافی به سنجه‌های کیفی و حذف نشریات فاقد کیفیت فنی و حرفه‌ای، غیرضرور و همچنین نشریاتی که حقوق مؤلفان را رعایت نمی‌کنند، از فهرست دریافت‌کنندگان یارانه‌ها و حمایت‌ها.

۲- مشورت با صنوف تخصصی و کارشناسان زبده داخل و بیرون از وزارتخانه

۳- تدوین سازوکارهای لازم برای راستی‌آزمایی شمارگان اعلامی

۴- تعیین سقف تعداد نشریات مورد حمایت برای مؤسسات و افراد

۵- رعایت ضوابط و فرایند قانونی در تدوین و تصویب سیاست‌ها و آیین‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌ها

۶- توجه ویژه به امنیت پایدار شغلی روزنامه‌نگاران حرفه‌ای و توسعه زیرساخت‌ها ب بدیهی است از این تاریخ تمامی حمایت‌ها براساس سیاست‌ها و شیوه‌نامه‌های جدید اعمال خواهد شد.

ج) تدوین و ارائه پیشنهادهای لازم جهت طرح در هیئت نظارت بر مطبوعات، در صلاحیت‌های علمی، فنی و حرفه‌ای مقامضیان و تعیین سقف در صور مجوزها برای اشخاص و مؤسسات

د) ضمن استمرار نظارت‌ها و بازرسی‌های مؤثر، با توجه به گزارش مدیریت عملکرد وزارت متبوع، مسیر بازرسی نسبت به موضوع نامه شماره ۹۸/۱۷۰۰۷ مورخ ۹۸/۵/۱ مفتوح بوده و در صورت احراز هرگونه تخلف برخورد قانونی لازم با متخلفان صورت پذیرد.

تهادهای صنفی نظیر انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران در بیانیه‌ای که دیروز منتشر کرد، اعلام کرده بود پس از انتشار این گزارش، دیدگاه خود را درباره جزئیات مسئله به اطلاع جامعه روزنامه‌نگاران و همکاران محترم می‌رساند.

آیا می‌دانید؟

هراس‌های روزمره

● **عصر ایران:** پوشیدن لباس‌های نو می‌تواند احساس خوبی در انسان ایجاد کند، اما شاید یک پرسش همواره ذهن ما را به خود مشغول کند که آیا پیش از پوشیدن لباس نو نیازی به شستن آن هست؟ به گزارش ایزی هلت آپشنز، بیشتر لباس‌هایی که جدید خریداری می‌کنیم، مسیری طولانی را در جهان طی کرده‌اند تا به دست ما برسند، در رنگ‌ها غوطه‌ور بوده‌اند، از پارچه‌هایی پر از مواد شیمیایی تولید شده‌اند و همچنین ممکن است پیش از ما چند نفر در اتاق پرو فروشگاه آن را به تن کرده باشند. اساسا، لباس‌های نو یکی از بدترین کابوس‌ها برای افرادی است که از میکروب‌ها وحشت دارند. باوجود تمام این نگرانی‌ها، به‌ندرت پیش می‌آید که پیش از پوشیدن لباس نو آن را بشویم، اما شاید زمان تغییر این شرایط فرارسیده باشد.

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۲۰ مرداد ۱۳۹۸ = ۹ ذی‌الحجه ۱۴۴۰ = ۱۱ آگوست ۲۰۱۹ = سال شانزدهم = شماره ۳۴۹۸ = ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۱۰ = اذان مغرب ۲۰:۱۸ = اذان صبح فردا ۴:۴۷ = طلوع آفتاب ۶:۰۲

روزنارضا

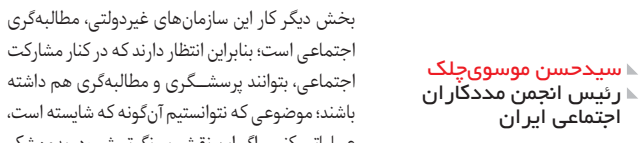
کارتون خواب

احمت اوز تورک لونت



یادداشت

فرستی که از دست می‌رود



سیدحسین موسوی‌چلک
رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

نام‌گذاری روزها به مناسبت‌های خاص فرصتی برای طرح مباحث مرتبط با آن مناسبت و سیاست‌گذاری از افراد مرتبط است. یکی از این مناسبت‌ها، روز ۲۲ مرداد با عنوان «روز تشکل‌ها و مشارکت اجتماعی» است. این مناسبت را بهانه می‌کنم تا ضمن تبریک این روز به همه سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های مرتبط، به‌عنوان یک مددکار اجتماعی که مشارکت یکی از شش اصل اساسی حرفه‌ام هست و هم به‌عنوان عضوی از چندین تشکل غیردولتی که مهم‌ترین هدف تشکیل آنها، مشارکت در امور جامعه است و همچنین رئیس یک تشکل صنفی- علمی غیردولتی و غیرسیاسی با سابقه بیش از نیم‌قرن فعالیت (انجمن مددکاران اجتماعی ایران) به چند نکته در این زمینه اشاره کنم. مرداد ۱۳۹۳ سال اول دولت‌آقای حسن روحانی جلساتی در وزارت کشور برگزار می‌شد و من هم دعوت می‌شدم. حس خوبی داشتم؛ چون قرار بود برای اولین‌بار رئیس‌جمهور به همراه اعضای هیئت دولت، به‌ویژه وزاری که با این سازمان‌ها سرکار بیشتر داشتند، چندین ساعت با سازمان‌های غیردولتی گفت‌وگو کنند. این جلسه با حضور مدیران بیش از سه‌هزار و ۵۰۰ تشکل غیردولتی حدود هفت ساعت برگزار شد. از قبل هم قرار شده بود که در حضور رئیس‌جمهور پنج نفر از مدیران این سازمان‌ها هرکدام سه دقیقه مطالبی را مطرح کنند. من هم یکی از این پنج نفر بودم که صحبت کردم. خاطرم هست که ۱۳ نکته را در این دقایق بسیار کوتاه مطرح کردم که به برخی از آنها در این یادداشت هم اشاره می‌کنم (قبل از حضور رئیس‌جمهور هم با حضور وزاری مربوطه سوؤال و جواب می‌شد). بر این باورم که برای اعمال مدیریت هوشمندانه در هر کشوری استفاده از ظرفیت‌های مردمی و جلب مشارکت آنها بهترین سرمایه محسوب می‌شود و این امر مستلزم آن است که از قوی‌شدن این سازمان‌ها هراس نداشته باشیم؛ بلکه آنها را یک ظرفیت قلمداد کنیم و نگاه رقابتی با آنها از سوی دولتی‌ها وجود نداشته باشد. اگرچه از نظر کنی سازمان‌های غیردولتی بیشتر شده‌اند؛ ولی از نظر کیفی هنوز خیلی کار داریم؛ چراکه معتقدم زمانی کشور در زمینه استفاده از ظرفیت این سازمان‌ها به بلوغ می‌رسد که بتواند جایگاه آنها را در سه حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی، اجرا و نظارت بر عملکرد دولت به رسمیت بشناسد، نه‌فقط در اجرای برنامه که دولت توان ندارد یا خیلی علاقه‌مند نیست. نکته بعدی فلسفه تشکیل این سازمان مشارکت اجتماعی در برنامه‌های کشور است که نشان از مسئولیت‌پذیری‌شان دارد، اما

این یادداشت در ستایش بازیگری است حرفه‌ای و بااخلاق که بیش از نیم‌قرن در زمینه هنرهای نمایشی این ملک با پشتکار و مداوم کار کرده و در این وادی بسیار تأثیرگذار بوده و کارهایش به‌یادماندنی است. او این روزها تهران و هیاهو و آلودگی‌هایش را رها کرده و در روستایی در گیلان روزگار می‌گذراند. اسماعیل شنگله کارش را از کلاس‌های بازیگری جامعه بارید آغاز می‌کند و سپس در سال ۱۳۳۵ هنرستان هنریشکی را می‌گذراند و در سال ۱۳۴۰ به اداره دراماتیک می‌رود و بعد برای ادامه تحصیل ۹ سال



پرویز پورحسینی

در قرن بیست‌ویکم، مغزی‌وهی مدرن، بر ارزش محوری بدن نه تنها در عرصه بیولوژیک، بلکه در گيرودار تجربیات خانوادگی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز تأکید دارد. این بدن مادر است که اولین محیط زندگی ما انسان‌هاست. به عبارت دیگر این مشخصات بیولوژیک بدن مادر است که محیط اولیه زندگی را از وقتی که مغز پیدا می‌کنیم، برای همه ما انسان‌ها تشکیل می‌کند. در رحم مادر است که از طریق پوست خود لمس می‌کنیم، با گوش خود می‌شنویم و با بینی خود می‌بویم. غلت می‌زنیم و با دست و پای خود حرکت و شنا می‌کنیم و مایع آمنیوتیک را از دستگاه گوارش می‌گذرانیم و دستگاه تعادل‌مان را با شناکردن امتحان می‌کنیم. با تنظیم ریتم حرکت دست و پا و صدای قلبمان، با نظم محیطی به هماهنگی می‌رسیم. در انتها نور را هم تشخیص می‌دهیم و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهیم. در تمام این مدت از خون مادر در گذر از جفت تغذیه می‌کنیم. وقتی به دنیا می‌آیم و بند ناف ما بریده می‌شود، این پستان مادر است که جای جفت را می‌گیرد و به ما تغذیه می‌رساند تا رشد کنیم. بنابراین بعد از تولد نیز بدن مادر مانجی ما با محیط است. به عنوان نوزاد، هنگام شیرخوردن، چشم به چهره مادر می‌دوزیم، با دست‌های خود بدن مادر را لمس می‌کنیم. دست مادر را روی پشت خود احساس می‌کنیم، صدای مادر را می‌شنویم و بوی شیر مادر ما را سرمست می‌کند. آغوش مادر محیط پراغمتاد و امن برای ما می‌شود. این همبستگی و پیوند با افزایش ترشح اکسی‌توسین هم در مغز ما و هم مادر تقویت می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سزارین و حتی بی‌حسی نخاعی از مقدار اکسی‌توسین می‌کاهد که ممکن است شیردهی مادر را به مخاطره بیندازد. از طرف دیگر این محیط امن بدن مادر است که میلیون‌سازی مدارهای در انجام وظایف‌شان خواهد بود و درجه مشارکت این غیرولتی‌زمنه را برای مشارکت کمی و کیفی آنها بیش‌ازپیش افزایش خواهد داد و به دلیل اعتماد مردم به این سازمان‌ها که از جنس خودشان هستند، می‌تواند آنها را به‌عنوان پلی بین مردم و دولت قرار دهد. بدون شک مشارکت اجتماعی منجر به کاهش هزینه‌های دولت‌ها در انجام وظایف‌شان خواهد بود و درجه مشارکت این سازمان‌ها در کنار مشارکت مردم و خانواده‌ها در تحقق توسعه همه‌جانبه و پیشرفت هر کشوری بسیار مهم است که سازمان‌های غیردولتی یکی از جلوه‌های این مشارکت محسوب می‌شوند. این مشارکت حتی می‌تواند کمک کند تا مردم با محدودیت‌های دولت‌ها از طریق این سازمان‌ها برای انجام امور هم آشنا شوند که خود می‌توانند در افزایش اعتماد عمومی به دولت‌ها در کشورهای مختلف کمک شایانی کنند؛ ضمن اینکه پذیرش این مشارکت و تسهیل در امر مربوط به سازمان‌های غیردولتی موجب می‌شود که زیرزمینی و پنهانی فعالیت نکنند. در پایان می‌خواهم به این نکته اشاره کنم که ضمن تأکید بر آسیب‌شناسی (نقاط قوت و ضعف) فعالیت این سازمان‌ها و الزام (خودخوسته) آنها بر افزایش شفافیت‌های مالی و اداری و... این موضوع هم مورد توجه قرار گیرد که درحال‌حاضر براساس قوانین و اسناد بالادستی، برای مشارکت اجتماعی این سازمان‌ها باید مجوز رسمی فعالیت را از دستگاه‌های تعیین‌شده در قوانین اخذ کنند، ضروری است تا صادقانه و به دور از هرگونه جانب‌داری اداری و سیاسی و... آسیب‌شناسی رابطه دولت با اینن سازمان‌ها هم صورت گیرد و چشم‌انداز فعالیت این سازمان‌ها به گونه‌ای رسمیم شود که انگیزه آنها را برای افزایش مشارکت بیشتر کند تا نشان داده شود که آنها را باور کرده‌ایم.

یادی از کارهای پربار اسماعیل شنگله

به‌خاطر این همه نجابت

او در این کارها برای من همیشه آموزنده بود. در کارنامه سبنبامی شنگله «دایره مینا» و «سگ‌کشی» به‌یادماندنی است. او فیلم‌های گاهی به آسمان نگاه کن و بانوی کوچک را هم در کارنامه دارد و در سریال‌های شیخ بهایی، باران عشق و روشن‌تر از خاموشی هم بازی کرده است. کار تهیه‌کنندگی و بازیگری تله‌تئاترهای «رعنا»، به کارگردانی میرباقری، قضیه رابرت اپنهایمر، عطر گل یاس و «ماه پنهان است» را هم می‌توان از کارهای خوب او دانست. این روزها که دوستان در فضای مجازی سلفی‌ها و پست‌های فراوان می‌گذارند بد نیست یادی هم از بزرگان کنند. برایش درود بفرستید به‌خاطر این همه نجابت و کارهای پرباری که در این سالیان در عرصه هنرهای نمایشی این ملک از خود به یادگار گذاشته است. سایهات همیشه بر سر ما مستدام باد.

مغز اجتماعی- ۷۷

به مناسبت هفته جهانی تغذیه با شیر مادر

راه شیری

انسان است. چون مصائب این دوره زندگی می‌تواند آسیب‌ها و آزارهای اساسی به مغز انسان بزند و تغییرات اپی‌ژنتیکی زاینده این مخاطرات، منجر به خاموش‌شدن کدهای ژنتیکی شود که می‌تواند آثار دوردست مخربی در سنین بالاتر زندگی در عواطف، شناخت، رفتار و شخصیت ما داشته باشد. تغذیه از شیر مادر که با ترشحات هورمونی چون اکسی‌توسین همراه است اعتماد و اطمینان را در رابطه مادر و کودک افزایش می‌دهد و برای تحولات مفید در رشد و انعطاف‌پذیری مغز کودک لازم است. در ضمن مادر نیز با تغییرات هورمونی همراه با شیردهی، حساسیت بیشتری برای مراقبت از نوزاد شیرخواره خود پیدا می‌کند. این همه به اهمیت و اعتبار مغزی بدن زن در جهت دناوم حیات پرکیفیت انسانی می‌افزاید. بدیهی است محیط پراسترس باعث ترشح هورمون‌هایی چون کورتیزول در بدن مادر و فرزند می‌شود که نه برای سلامت مغزی مادر مفید است و نه به رشد بی‌مخاطره مغز کودک کمک می‌کند. متأسفانه در جامعه صنعتی و سرمایه‌داری امروز، تصوری ابزاری، تبلیغاتی و تجاری نسبت به بدن انسان به‌ویژه زن، وجود دارد که امر مهم شیردهی مادران را نیز تحت تأثیر زبای قرار می‌دهد. در طول تاریخ صنعتی‌شدن جوامع سرمایه‌داری، با رشد صنعت غذای مصنوعی کودک بارها تلاش شده تا شیر مادر از گردونه رقابت با تجارت خارج شود. اما در سال‌های ۱۹۶۰ دوباره نهضت استفاده از شیر مادر زنده شد. البته در این میان، صنعت عظیم شیر خشک‌سازی و غذاهای تکمیلی کودکان با تبلیغات بی‌امان، اجازه نداده است تا فرایندهای شیردهی موفق راه طبیعی خود را دنبال کنند و مردم گول تبلیغات و القانات شرکت‌های سرمایه‌داری تهیه غذای کودک را نخورند. وضعیت در جهان سوم به مراتب پیچیده‌تر است. استفاده از شیر خشک اهدایی شرکت‌های معتبر کدایی غربی نامناسب مغز کودکان و عوارض شناختی طولانی‌مدت آنها می‌شود. کودکان و مادران‌شان اغلب در شرایط استرس‌زای زندگی به انواع بیماری‌های علیل‌کننده جسمانی- مغزی مبتلا می‌شوند. در جامعه امروز که زنان دوشادوش مردان به کار اجتماعی علاوه بر خانه مشغول‌اند، شیردادن نوعی جادشن و دورافتادن از



عبدالرحمن نجل‌رحیم
مغزپژوه

در قرن بیست‌ویکم، مغزی‌وهی مدرن، بر ارزش محوری بدن نه تنها در عرصه بیولوژیک، بلکه در گيرودار تجربیات خانوادگی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز تأکید دارد. این بدن مادر است که اولین محیط زندگی ما انسان‌هاست. به عبارت دیگر این مشخصات بیولوژیک بدن مادر است که محیط اولیه زندگی را از وقتی که مغز پیدا می‌کنیم، برای همه ما انسان‌ها تشکیل می‌کند. در رحم مادر است که از طریق پوست خود لمس می‌کنیم، با گوش خود می‌شنویم و با بینی خود می‌بویم. غلت می‌زنیم و با دست و پای خود حرکت و شنا می‌کنیم و مایع آمنیوتیک را از دستگاه گوارش می‌گذرانیم و دستگاه تعادل‌مان را با شناکردن امتحان می‌کنیم. با تنظیم ریتم حرکت دست و پا و صدای قلبمان، با نظم محیطی به هماهنگی می‌رسیم. در انتها نور را هم تشخیص می‌دهیم و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهیم. در تمام این مدت از خون مادر در گذر از جفت تغذیه می‌کنیم. وقتی به دنیا می‌آیم و بند ناف ما بریده می‌شود، این پستان مادر است که جای جفت را می‌گیرد و به ما تغذیه می‌رساند تا رشد کنیم. بنابراین بعد از تولد نیز بدن مادر مانجی ما با محیط است. به عنوان نوزاد، هنگام شیرخوردن، چشم به چهره مادر می‌دوزیم، با دست‌های خود بدن مادر را لمس می‌کنیم. دست مادر را روی پشت خود احساس می‌کنیم، صدای مادر را می‌شنویم و بوی شیر مادر ما را سرمست می‌کند. آغوش مادر محیط پراغمتاد و امن برای ما می‌شود. این همبستگی و پیوند با افزایش ترشح اکسی‌توسین هم در مغز ما و هم مادر تقویت می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سزارین و حتی بی‌حسی نخاعی از مقدار اکسی‌توسین می‌کاهد که ممکن است شیردهی مادر را به مخاطره بیندازد. از طرف دیگر این محیط امن بدن مادر است که میلیون‌سازی مدارهای در انجام وظایف‌شان خواهد بود و درجه مشارکت این غیرولتی‌زمنه را برای مشارکت کمی و کیفی آنها بیش‌ازپیش افزایش خواهد داد و به دلیل اعتماد مردم به این سازمان‌ها که از جنس خودشان هستند، می‌تواند آنها را به‌عنوان پلی بین مردم و دولت قرار دهد. بدون شک مشارکت اجتماعی منجر به کاهش هزینه‌های دولت‌ها در انجام وظایف‌شان خواهد بود و درجه مشارکت این سازمان‌ها در کنار مشارکت مردم و خانواده‌ها در تحقق توسعه همه‌جانبه و پیشرفت هر کشوری بسیار مهم است که سازمان‌های غیردولتی یکی از جلوه‌های این مشارکت محسوب می‌شوند. این مشارکت حتی می‌تواند کمک کند تا مردم با محدودیت‌های دولت‌ها از طریق این سازمان‌ها برای انجام امور هم آشنا شوند که خود می‌توانند در افزایش اعتماد عمومی به دولت‌ها در کشورهای مختلف کمک شایانی کنند؛ ضمن اینکه پذیرش این مشارکت و تسهیل در امر مربوط به سازمان‌های غیردولتی موجب می‌شود که زیرزمینی و پنهانی فعالیت نکنند. در پایان می‌خواهم به این نکته اشاره کنم که ضمن تأکید بر آسیب‌شناسی (نقاط قوت و ضعف) فعالیت این سازمان‌ها و الزام (خودخوسته) آنها بر افزایش شفافیت‌های مالی و اداری و... این موضوع هم مورد توجه قرار گیرد که درحال‌حاضر براساس قوانین و اسناد بالادستی، برای مشارکت اجتماعی این سازمان‌ها باید مجوز رسمی فعالیت را از دستگاه‌های تعیین‌شده در قوانین اخذ کنند، ضروری است تا صادقانه و به دور از هرگونه جانب‌داری اداری و سیاسی و... آسیب‌شناسی رابطه دولت با اینن سازمان‌ها هم صورت گیرد و چشم‌انداز فعالیت این سازمان‌ها به گونه‌ای رسمیم شود که انگیزه آنها را برای افزایش مشارکت بیشتر کند تا نشان داده شود که آنها را باور کرده‌ایم.

دور دنیا

تشکیل شده و از صد کیلوگرم نخ طلا و ۱۲۰ کیلوگرم نخ نقره خالص برای نوشتن آیات قرآنی بر روی آن استفاده شده و هزینه کلی آن ۲۴ میلیون ریال سعودی (چهارمیلیون و ۶۰۰ هزار دلار) است. روی پوشش خارجی کعبه عبارات «یا الله یا الله»، «لا اله الا الله محمد رسول الله»، «سبحان الله و بحمده»، «سبحان الله العظیم» (یا دیان یا مان» طلادوزی شده است و این عبارت‌ها در کل پوشش کعبه تکرار می‌شود. در روز نهم ذی‌الحجه زمانی که حجاج در صحرای عرفات دارند، یکی از خبرگزاری‌ها اعلام کرد در این مراسم پس از شست‌وشوی کعبه با کلاب، این پرده تعویض و بر بنای کعبه گذارده می‌شود. چند روز پیش نیز در خبری اعلام شده بود پروژه پاکسازی، غبارروبی و حفاظت پیشگیرانه پرده قدیمی کعبه در موزه سعیدآباد آغاز شده بود که بازدیدکنندگان و علاقه‌مندان می‌توانستند از نزدیک شاهد این عملیات در موزه پوشاک سلطنتی این مجموعه باشند. پرده خانه خدا (کسوة‌الکعبه) از آثار برجسته موجود در موزه پوشاک سلطنتی است که دو قطعه در ابعاد ۹۲ × ۲۵۸ و

